



## حج اکبر، کدام است؟

سید علی قاضی عسکر

برخی از سالها، در ایام حج، «روز عرفه» با «روز جمعه» مصادف شده، و آن سال در میان حجاج، خصوصاً اهل سنت، به «حج اکبر» معروف می‌گردد. این مسأله، انگیزه شد تا با بررسی آیات و روایات و همچنین تاریخ، سابقه آن را دنبال نمایم. آنچه در ذیل تقدیم می‌گردد نتیجه تحقیقی هر چند کوتاه در این زمینه است که امید می‌رود با اظهار نظر محققان و دانشمندان و صاحب نظران تکمیل گردد:

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«و اذان من الله ورسوله الى الناس يوم الحج الاكبر ان الله برئ من المشركين ورسوله»<sup>۱</sup>.

«و این اعلامی است از ناحیه خدا و پیامبرش به (عموم) مردم در روز حج اکبر، که خداوند و پیامبر او، از مشرکین بیزارند».

در بین محدثان و مفسران قدیم و جدید، در اینکه «حج اکبر کدام است؟» اختلاف نظر وجود دارد، برخی از آنان معتقدند:

۱- مراد از حج اکبر، روز عرفه است. از ابن عباس، طاووس، عمر، عثمان، مجاهد، عطاء،

سعید بن مسیب، ابن زبیر، ابوحنیفه و شافعی نقل شده که روز عرفه را روز حج اکبر می‌دانند.<sup>۲</sup>

عطاء گوید: «الحج الاکبر الذی فیہ الوقوف بعرفه، و الاصغر العمرة».<sup>۳</sup>

اسماعیل قاضی در حدیث مَحْرَمَه از رسول خدا- ص - نقل کرده که آن حضرت فرمود: «یوم الحج الاکبر یومُ عرفه».<sup>۴</sup>

ابن ابی حاتم و ابن مردویه، از مسور بن مَحْرَمَه از قول رسول خدا- ص - آورده‌اند که:

«أَنَّهُ قَالَ خُطِبَ رَسُولُ اللَّهِ - ص - عَشِيَّةَ عَرَفَةَ، فَقَالَ أَمَّا بَعْدُ فَاذْهَبُوا هَذَا يَوْمَ الْحَجِّ الْاَكْبَرِ».  
«پیامبر- ص - بعد از ظهر عرفه برای مردم سخن می‌گفت، و خطاب به آنان فرمود: امروز، روز حج اکبر است».<sup>۵</sup>

ابن سعد، ابن ابی شیبہ، ابن جریر، ابن ابی حاتم، و ابوالشیخ از عمر بن خطاب نقل کرده‌اند که گفت: «حج اکبر روز عرفه است».<sup>۶</sup>

ابن جریر روایت دیگری از ابی الصهبای بکری نقل می‌کند که: از علی بن ابیطالب - ع - راجع به روز حج اکبر سؤال کردم، فرمود: روز عرفه است.<sup>۷</sup>  
ابوالشیخ نیز از ابن عباس نقل می‌کند که گفته است: همانا روز عرفه، روز حج اکبر است و این روز، روز مباهات است، روزی است که خداوند به اهل زمین در برابر ملائکه آسمان، فخر کرده و می‌فرماید:

«جَاؤُنِي شَعْنًا غَيْرَ آمَنَؤَابِي وَلَمْ يَرُونِي وَعَزَّتِي لَاغْفِرْت لِهَم».<sup>۸</sup>

«ژولیده موی و گرد و خاک بر چهره نشسته، به سوی من آمده‌اند. به من ایمان آوردند، با آنکه مرا ندیده‌اند. به عزّت خود سوگند آنها را می‌بخشم».

برخی از کسانی که این قول را پذیرفته‌اند به حدیث معروف «الحج عرفه» استدلال کرده و می‌گویند:

از آنجا که یکی از بزرگترین اعمال حج، وقوف در عرفه می‌باشد، و کسی که آن را درک کند، حج را درک کرده و کسی که آن را درک نکند حج او باطل است، لذا روز عرفه را روز حج اکبر

نامیده‌اند.<sup>۹</sup>

۲- دسته دیگر «یوم الحج الأكبر» را تمامی ایام حج می‌دانند. این گروه معتقدند همانگونه که «جنگ جمل»، «جنگ صفین» و «جنگ بعثت» با اینکه روزها طول کشیده، از آنها به «روز صفین»، «روز جمل» و «روز بعثت» تعبیر می‌کنند و مرادشان از «یوم»، تمامی دوران آن جنگ‌هاست، بنابراین در این جا نیز مراد از «یوم الحج الأكبر» تمامی ایام حج است.<sup>۱۰</sup>

شیخ تَهَانَوِي می‌گوید: «الحج نوعان: الحج الاکبر و هو حج الاسلام، والحج الأصغر و هو العمرة».

«حج دو نوع است: حج اکبر و آن حَجَّةُ الْإِسْلَام است و حج اصغر که عمره است».<sup>۱۱</sup>

۳- دسته سوم حج اکبر را وقوف در عرفات و اعمال مربوط به منی می‌دانند: عمر بن اذینه می‌گوید: برای امام صادق - ع - مسائلی را نوشتم و پس از مدتی، پاسخ آن حضرت را با دست خط مبارکشان دریافت نمودم: «... و سألت عن قوله تعالى الحج الاکبر ما یعنی بالحج الاکبر؟ فقال الحج الاکبر الوقوف بعرفة و رمی الجمار، و الحج الاصغر العمرة».<sup>۱۲</sup>

«از امام سؤال کردم که فرموده خداوند: «یوم الحج الاکبر» به چه معنی است؟ فرمود: حج اکبر وقوف در عرفات و رمی جمرات است و حج اصغر عمره است».

براساس این روایت، اعمال عرفه و منی، حج اکبر شمرده شده است.

همین مطلب را زراره از امام صادق - ع - روایت کرده که آن حضرت فرمود:

«الحج الاکبر الوقوف بعرفة، و بَجَمْعٍ\* و رمی الجمار بمنی، و الحج الاصغر العمرة».<sup>۱۳</sup>

\* بَجَمْعٍ با فتح جیم و سکون را به معنای مشعر است. مجمع البحرین، ج ۱، ص ۳۹۷.

«حج اکبر وقوف به عرفه و مشعر، و رمی جمرات در مِیْنی است و حج اصغر عمره است».

۴- سفیان ثوری و ابن جُرَیح و... روز حج اکبر را تمامی ایّام مِیْنی می دانند.<sup>۱۴</sup>

۵- مجاهد روایت دیگری را نقل کرده، می گوید: «الحج الاکبر القِران\*»، و الأصغر إفراد\*».

«حج اکبر، حج قران و حج اصغر حج إفراد است».<sup>۱۵</sup>

۶- ابن ابی حاتم از سعید بن مسیب نقل می کند که گفت: حج اکبر روز دوم از یوم النحر (عید قربان) است. آیا نمی بینی که امام در آن روز خطبه می خواند؟<sup>۱۶</sup>

۷- ابن سیرین گفته است:

«روز حج اکبر، مربوط به آن سالی است که پیامبر - ص - حجةالوداع را انجام دادند و همراه با ایشان نیز تعداد بیشماری از مردم حج بجای آوردند».<sup>۱۷</sup>

البته می توان این قول را نیز، مؤید آن کسانی دانست که روز حج اکبر را روز عید قربان می دانند؛ زیرا در همان سال، پیامبر - ص - در مِیْنی برای مردم سخن گفت و در روز عید قربان از مردم سؤال فرمود: امروز چه روزی است؟ گفتند: روز عید قربان. سپس فرمود: امروز روز حج اکبر است. ابن عربی این حدیث را حَسَن و صحیح می داند.<sup>۱۸</sup>

۸- طبرانی از سمرة بن جندب نقل می کند که گفته است: «روز حج اکبر، مربوط به آن

\* حج قران با حج افراد در جمیع جهات یکسان است، جز اینکه، در حج قران هنگام احرام مکلف باید قربانی را همراه داشته باشد. مناسک.

\* حج افراد عین صورت جمع تمتع است با یک فرق که در حج تمتع هدی باید ذبح کند و در حج افراد واجب نیست. مناسک امام خمینی ص ۴۵.

سالی است که مسلمانان و مشرکان حج را در مدت سه روز انجام دادند که قبل از آن، چنین حجی انجام نشده، و پس از آن نیز روی نخواهد داد».<sup>۱۹</sup>

فضیل بن عیاض نیز از امام صادق - ع - نقل می‌کند که فرمود: علت نامگذاری حج اکبر آن است که در آن سال مسلمانان و مشرکان، همراه با هم حج انجام داده و پس از آن دیگر مشرکین حج بجای نیاوردند.<sup>۲۰</sup>

همچنین ابن ابی شیبہ زاید از ابن عون نقل می‌کند که از محمد راجع به روز حج اکبر سؤال کردند گفت: روزی است که حج رسول خدا - ص - با حج اهل ملل مصادف گردید.<sup>۲۱</sup>

۹ - بسیاری از محدثان و مفسران، با استناد به روایات گوناگون، حج اکبر را روز عید قربان می‌دانند. این دسته علاوه بر آنکه از استحکام بیشتری برخوردار می‌باشد، با آیه «فسیحوا فی الأرض اربعة اشهر» و یا نقلهای تاریخی که می‌گوید: «علی بن ابیطالب - ع - بعد از ظهر عید قربان پیام برائت را ابلاغ فرمود»، سازگارتر است:

ابن ابی اوفی می‌گوید: «روز عید قربان، روز حج اکبر است. در آن روز خون ریخته می‌شود. سرها تراشیده می‌شوند. آلودگیها و زواید بدن برطرف می‌گردد، و حرام‌ها حلال می‌شوند».<sup>۲۲</sup>

مالک نیز همین عقیده را داشته می‌گوید: «شکی نداریم که حج اکبر روز عید قربان است و این بدان جهت می‌باشد که بسیاری از اعمال حج در روز عید قربان انجام می‌شود. در شب عید، حجاج در منی وقف داشته، در فردای آن، رمی، قربانی، حلق و طواف انجام می‌شود».<sup>۲۳</sup>

ابوبکر محمد بن عبدالله معروف به ابن عربی با تأیید قول مالک می‌گوید:

«و غاص مالک علی الحقیقة»

(مالک به تمامی حقیقت دست یافته است...)»<sup>۲۴</sup>

معاویه بن عمار می‌گوید: از امام صادق - ع - درباره روز حج اکبر سؤال کردم، آن

حضرت فرمود: «روز عید قربان، روز حج اکبر و عمره حج اصغر است».<sup>۲۵</sup>  
 در جای دیگر صفوان بن یحیی از ذریح المحاریبی از امام صادق - ع - نقل می‌کند  
 که آن حضرت فرمود: «حج اکبر یوم النحر، (روز عید قربان) است».<sup>۲۶</sup>  
 فضیل بن عباس می‌گوید: از امام صادق - ع - پیرامون حج اکبر سؤال کردم و  
 گفتم: ابن عباس آن را روز عرفه می‌دانسته است. حضرت پاسخ فرمودند: «علی - ع -  
 می‌فرمود: حج اکبر روز عید قربان است و آنگاه به فرموده خدای عز و جل: «فسیحوا فی  
 الأرض اربعة اشهر»<sup>۲۷</sup> استدلال کرده می‌فرمود: [چهار ماه؛ عبارت است از] بیست روز از  
 ماه ذیحجه، و ماه‌های محرم، صفر، ربیع الاول و ده روز از ربیع الآخر و اگر حج اکبر روز  
 عرفه باشد چهار ماه و یک روز خواهد شد».<sup>۲۸</sup>

لازم به توضیح است که علی بن ابی طالب - ع - پیام برائت را به دستور رسول  
 خدا - ص - در روز دهم ذیحجه (روز عید قربان) در مینای برای مردم قرائت فرموده و  
 براساس دستور خداوند چهار ماه به مشرکین مهلت داد تا تصمیم بگیرند مسلمان شده و  
 یا بر کفر و شرک باقی بمانند و در نتیجه کشته شوند. چهار ماه از این قرار بود: بیست روز  
 باقیمانده از ماه ذیحجه، تمامی ماه‌های محرم، صفر، و ربیع الاول و ده روز از ربیع الثانی،  
 که در نتیجه روز یازدهم ربیع الثانی مهلت چهار ماهه پایان می‌پذیرفت. بر این اساس  
 آنها که روز عرفه را یوم الحج الاکبر بدانند یک روز به چهار ماه خواهند افزود و این با  
 آیه ناسازگار است.

صاحب تفسیر المنار نیز می‌گوید: این چهار ماه از روز دهم (عید قربان) ذیحجه  
 سال نهم (که پیام برائت در آن ابلاغ شد) آغاز و در دهم ربیع الآخر سال دهم خاتمه  
 می‌یابد.<sup>۲۹</sup>

در روایت دیگری آمده است: در حالی که علی بن ابی طالب - ع - روز عید قربان،  
 بر مرکبی سفید رنگ سوار گشته، به طرف جبانه حرکت می‌کرد، مردی آمد و لجام اسب  
 آن حضرت را در دست گرفت و سؤال کرد روز حج اکبر کدام است؟ حضرت پاسخ  
 دادند: همین امروز است، [سپس فرمود:] از مقابل مرکب کنار برو.<sup>۳۰</sup>

منابع اهل سنت از افرادی مانند ابن عباس، سعید بن جبیر، ابن زید، نخعی، شعبی، سدی، ابن ابی اوفی، و ابن مردویه.... نیز نقل کرده‌اند که: «مراد از یوم الحج الاکبر روز عید قربان است».<sup>۳۱</sup>

از مجاهد نیز روایتی نقل شده که حج اکبر را یوم النحر می‌دانند.<sup>۳۲</sup>  
ترمذی، ابن منذر، ابن ابی حاتم و ابن مردویه به نقل از علی بن ابی طالب-ع- آورده‌اند که فرمود: از پیامبر-ص- سؤال کردم: «یوم الحج الاکبر چه روزی است؟ فرمود: روز عید قربان است».<sup>۳۳</sup>

ابوالشیخ نیز نقل کرده، که علی-ع- فرمود: «یوم الحج الاکبر روز عید قربان است».<sup>۳۴</sup>

ابن مردویه از ابن ابی اوفی و او از رسول خدا-ص- نقل می‌کند که فرمود:

«یوم الاضحی هذا، یوم الحج الاکبر»

«روز عید قربان، امروز، روز حج اکبر است».<sup>۳۵</sup>

ابن داود، ابن ماجه... و ابونعیم در حلیه، از ابن عمر نقل کرده‌اند که گفته است: رسول خدا-ص- روز عید قربان در حجة الوداع در بین جمرات توقف نموده، از مردم سؤال فرمود: امروز چه روزی است؟ گفتند: روز عید قربان. آنگاه پیامبر-ص- فرمود: امروز، روز حج اکبر است».<sup>۳۶</sup>

بخاری و دیگران نیز همین مطلب را از پیامبر-ص- نقل کرده‌اند.<sup>۳۷</sup>

ابوهریره نیز می‌گوید: ابابکر در همین سال مرا همراه مؤذنینی که روز عید قربان اعزام داشت، فرستاد، سپس پیامبر-ص- علی-ع- را برای ابلاغ پیام برائت اعزام فرمود.<sup>۳۸</sup>

که این روایت نیز مشخص می‌کند روزی که علی-ع- پیام برائت را برای مردم قرائت فرمود، روز عید قربان بوده و در نتیجه یوم الحج الاکبر همان روز خواهد بود.

ابن ابی شیبه می‌گوید: ابی جحیفه نیز روز حج اکبر را روز عید قربان می‌داند عطا و ابن جریر نیز از ابن عباس همین مطلب را نقل کرده‌اند.<sup>۳۹</sup>

ابن جریر از مغیره بن شعبه نقل می‌کند که: روز عید اضحی خطبه خواند و گفت: امروز، روز حج اکبر است.<sup>۴۰</sup>

ابن ابی شیبہ از ابی اسحاق نقل می‌کند که گفته است: از عبدالله بن شداد از حج اکبر سؤال کردم پاسخ داد: روز عید قربان است و حج اصغر عمره است.<sup>۴۱</sup> سید قطب در تفسیر فی ظلال القرآن می‌گوید:

«... و یوم الحج الاکبر اختلف الروایات فی تحدیده،: أهو یوم عرفه ام یوم النحر؟ والاصح انه یوم النحر».

در روایات، در تعریف روز حج اکبر و اینکه آیا روز عرفه است یا روز عید قربان، اختلاف نظر وجود دارد، لیکن صحیحترین قول آن است که روز عید قربان باشد.<sup>۴۲</sup> ابن کثیر در تفسیرش می‌گوید: «یوم الحج الاکبر» روز عید قربان است که برترین و بزرگترین روزهای انجام مناسک حج است.<sup>۴۳</sup> صاحب تفسیر مراغی نیز همین عقیده را دارد، وی می‌گوید:

«یوم الحج الاکبر یوم النحر الذی فیه تنهی فرائض الحج و یجتمع الحجاج لإتمام مناسکهم و سننهم فی منی».

«روز حج اکبر، روز عید قربان است که در آن حجاج برای تکمیل مناسک حج، در منی جمع می‌شوند، و واجبات حج در این روز پایان می‌یابد».<sup>۴۴</sup>

محمد رشید رضا در المنار ضمن برتر دانستن این قول که «حج اکبر روز عید قربان است» [روزی که] واجبات و ارکان حج در آن به پایان می‌رسد می‌گوید: در تعیین حج اکبر اختلاف نظر وجود دارد که به زودی ما آن را ذکر خواهیم نمود.<sup>۴۵</sup>

طبری پس از آنکه اقوال مختلف را پیرامون حج اکبر بیان می‌کند می‌گوید: برترین و صحیح‌ترین آنها، نزد ما، گفتار کسی است که می‌گوید: «یوم الحج الاکبر»، یوم النحر، روز عید قربان است. زیرا اخبار فراوانی از گروهی از صحابه رسول خدا- ص - وجود دارد که می‌گوید: علی بن ابی طالب در روز عید قربان، آیات برائت را برای مردم قرائت کرد. علاوه بر آن، روایات متعددی از رسول خدا- ص - ذکر کردیم که می‌گفت:



«روز عید قربان، روز حج اکبر است». سپس در تأیید این سخن می‌گوید:

«یوم» در اینگونه کلمات، براساس آنچه بدان اضافه شده، معنا پیدا می‌کند. وقتی مردم می‌گویند «یوم عرفه»، مراد روزی است که مردم در عرفات وقوف دارند. «یوم اضحی»، روی است که مردم در آن قربانی می‌کنند. «یوم الفطر»، روزی است که مردم در آن افطار می‌کنند و همین طور «یوم الحج» روزی است که مردم در آن حج به جای می‌آورند، و همانا مردم در روز عید قربان مناسک خود را به پایان برده و حجتشان خاتمه می‌یابد و بالاخره تمامی حج روز عید قربان است.<sup>۴۶</sup>

در روایت دیگری آمده است که: پیامبر - ص - بر شتر ماده قرمز رنگی سوار شده و فرمود:

«أَتَدْرُونَ أَيُّ يَوْمٍ يُؤْمَكُمُ؟»، «آیا می‌دانید امروز چه روزی است؟».

«قالوا: يوم النحر»، «گفتند روز عید قربان است».

آنگاه فرمود: «صَدَقْتُمْ يَوْمَ الْحَجِّ الْاَكْبَرِ»، «راست گفتید: روز حج اکبر است».<sup>۴۷</sup>

ابی بشر می‌گوید: علی بن عبدالله بن عباس با مردی از آل شیبه بر سر اینکه روز حج اکبر کدام است با یکدیگر به مخاصمه پرداختند. علی بن عبدالله می‌گفت: روز عید قربان است و دیگری می‌گفت: روز عرفه است. کسی را نزد سعید بن جبیر فرستاد، از او سؤال کردند: پاسخ گفت: روز عید قربان است...<sup>۴۸</sup>

ابلاغ پیام براءت توسط علی - ع - نیز در مینی و روز عید قربان بوده است.

ابی الصباح کنانی از امام صادق - ع - نقل می‌کند که فرمود: «پیامبر - ص - پس از مراجعت از جنگ تبوک تصمیم به انجام حج گرفتند [لیکن] فرمودند: در خانه خدا مشرکان عریان ظاهر شده، به طواف می‌پردازند و تا چنین است من دوست نمی‌دارم حج به جای آورم».<sup>۴۹</sup>

به دنبال آن آیات، سوره براءت نازل و پیامبر - ص - علی - ع - را برای ابلاغ پیام به مشرکان، به مکه اعزام فرمود. جریان این اعزام را امام صادق - ع - اینگونه بیان می‌فرمایند:

رسول خدا - ص - پس از فتح مکه از انجام مراسم حج توسط مشرکین، جلوگیری نفرموده بود، لیکن مشرکین با اعمال زشت و ناپسند و عقاید خرافی خود، مراسم حج را به ابتذال کشانده بودند. و چنین وضعیتی قابل دوام نبود. به نمونه‌ای از این اعمال توجه کنید:

یکی از سنتهای اعراب جاهلی در حج این بود که عقیده داشتند: کسی که وارد مکه شده و با لباس خود طواف می‌کند. پس از طواف جایز نیست آن لباس را نگه داشته و از آن استفاده نماید. براین اساس پس از طواف، لباس خود را به دیگری صدقه می‌داد و یا قبلاً لباسی را کرایه کرده با آن طواف می‌کرد و سپس به صاحبش برمی‌گرداند، آنهایی که قدرت کرایه کردن لباس را نداشته و یک لباس نیز بیشتر نداشتند، آن را از تن بیرون آورده و عریان به طواف می‌پرداختند. تا جایی که روزی زنی زیبا و خوبروی برای طواف به مسجدالحرام آمد، چون یک لباس بیشتر نداشت و کسی نیز لباسی به او کرایه نداد، برهنه مشغول طواف گردید، مردم به تماشای او ایستادند. پس از پایان طواف برخی درخواست ازدواج با او را کردند، زن جواب منفی داده، گفت: من شوهر دارم. این وضعیت زشت و ناپسند قابل دوام نبود و قداست خانه خدا را خدشه دار می‌ساخت.

زمانی که آیات اول سورة براءت بر رسول خدا - ص - نازل گردید، پیامبر آنها را به ابابکر داده و به او امر فرمودند تا به مکه رفته، آیات را در مین و روز عید قربان برای مردم قرائت کند. همین که ابابکر رفت جبرائیل بر رسول خدا - ص - نازل شد و گفت: «لا یؤدی عنک الا رجلٌ منك»، «این پیام را باید مردی که از شما و خاندان شماست ابلاغ نماید».

ابن عربی در ضمن روایتی این جمله را چنین آورده است: «انه لا یؤدی عنی الا رجلٌ من اهل بیتی...»<sup>۵۰</sup>

به دنبال این دستور، پیامبر - ص - علی بن ابی طالب - ع - را برای انجام این مأموریت انتخاب و به دنبال ابابکر فرستاد، علی - ع - در منطقه روحاء<sup>۵۱</sup> (و یا بر طبق بعضی نقل‌ها در ذی الحلیفه<sup>۵۲</sup>) به ابابکر رسیده، آیات را از او گرفت، ابابکر با وحشت

بسیار، به سوی پیامبر- ص - بازگشت و اظهار داشت: آیا در باره من آیه‌ای نازل شد که تصمیم خود را عوض کردید؟ پیامبر- ص - پاسخ دادند: نه، خداوند مرا امر فرمود تا این پیام توسط خودم یا مردی از خانواده‌ام ابلاغ گردد.

علی- ع - فرمود: «پیامبر- ص - به من امر نمود تا دستور خدا را به مردم ابلاغ کرده، به آنها بگویم: از این پس هرگز عریان بر گرد خانه خدا طواف نکنند و پس از این سال نیز، دیگر مشرکین نزدیک مسجدالحرام نشوند».<sup>۵۳</sup>

از این روایت می‌توان فهمید که زمان ابلاغ آیات سوره براءت توسط امیرالمؤمنین- ع - روز عید قربان و در سرزمین منی بوده است و در نتیجه روز حج اکبر نیز همان روز عید قربان خواهد بود.

حریر نیز از امام صادق- ع - نقل می‌کند که فرمود: بعد از ظهر روز عید قربان پیام براءت را علی بن ابی طالب- ع - قرائت فرمود.<sup>۵۴</sup>

ترمذی از زید بن یثیع نقل می‌کند که گفته است: از علی- ع - سؤال کردم: مأموریت شما در حج چه بود؟ حضرت پاسخ فرمودند: چهار چیز:  
۱- اینکه برهنه در کنار کعبه طواف نکنند.

۲- اگر بین پیامبر- ص - و کسانی از مردم پیمانی هست که زمان آن مشخص است، آن پیمان به قوت خود باقی است.

۳- به آنان که پیمانی ندارند، چهار ماه مهلت داده می‌شود.

۴- وارد بهشت نمی‌شود مگر کسی که مؤمن باشد.<sup>۵۵</sup>

ابن عربی به نقل از ابوسعید محمد بن طاهر و او از استاد ابو مظفر طاهر بن محمود شاهپور نقل می‌کند که گفته است: یکی از دلایل اعزام علی- ع - برای این مأموریت، این بود که سیره اعراب در گذشته چنین بوده که پیمان‌های خود را نقض نمی‌کردند مگر با حضور کسی که آن پیمان را بسته بود، یا مردی از آن خاندان. بر این اساس پیامبر- ص - می‌خواست تا بهانه را از دست مشرکان گرفته و زبان آنها نیز در آینده بسته شود، لذا پسر عموی خود را که از بنی هاشم و از بیت رسول خدا- ص - بود، برای برداشتن این پیمان به

سوی مکّه فرستاد.<sup>۵۶</sup>

محمد رشید رضا در تفسیر المنار بدون آنکه مدرک خویش را مشخص کند بر وجود چنین رسمی صحّه می‌گذارد لیکن به نظر می‌رسد ایشان نیز از همان نقل بهره گرفته است.<sup>۵۷</sup>

به نظر می‌رسد چنین مطلبی صحیح نباشد زیرا:

اولاً: پیامبر-ص- از قبل به رسوم اعراب جاهلی آگاه بود و اگر این رسم وجود داشت حضرت نمی‌بایست ابتدا ابابکر را انتخاب فرموده، و پس از آن که آیه نازل شد مأموریت را به علی-ع- واگذار کند!

ثانیاً: مفسرین بر این عقیده‌اند که انتخاب علی-ع- برای این مأموریت از ناحیه خداوند بوده که توسط جبرائیل امین به رسول خدا-ص- ابلاغ گردید و این انتخاب الهی، مهمتر از پاسخگویی به یک رسم جاهلی است.

ثالثاً: ابلاغ پیام برائت در اوج اقتدار پیامبر-ص- و پس از فتح مکّه و زمانی که مشرکین در ذلت بسر می‌بردند صورت گرفته و دیگر برای مشرکان قدرتی باقی نمانده تا بتوانند در آینده، نسبت به شکستن پیمان خود با پیامبر-ص- اعتراض نمایند.

به هر حال مسلم آن است که پیامبر-ص- ابتدا ابابکر را مأمور ابلاغ پیام فرمود و سپس این مأموریت را لغو و آن را به علی بن ابیطالب-ع- واگذار نمود.

افرادی همچون محمد رشید رضا دنبال اثبات این مطلبند که پیامبر-ص- ابابکر را در همان سفر به عنوان امیرالحاج اعزام نموده، و علی بن ابیطالب-ع- فقط مأمور اعلام آیات برائت به حاجیان بوده است.<sup>۵۸</sup>

لیکن این سخن نمی‌تواند صحیح باشد، زیرا اولاً: ابلاغ این مطلب که: «لا یحجّ بعد العام مشرک»، «از این پس مشرکان حق انجام حج را ندارند» مستقیماً با امیرالحاج ارتباط دارد. و ثانیاً در روایات آمده است که: «لا یبلغها الا انا و رجل من اهل بیتی».<sup>۵۹</sup>

عجیب‌تر آنکه وقتی آقایان با این مشکل مواجه شده و پاسخی برای آن نیافته‌اند،

در صدد برآمده‌اند تا بگویند ابابکر به علی-ع- دستور داد تا آیات سورۀ براءت را قرائت نماید.<sup>۶۰</sup>

و حال آنکه ابلاغ این پیام به فرمان پیامبر-ص- صورت گرفت و نیازی به دستور مجدد ابابکر نداشت! اباهیره تلاش می‌کند تا اعلان براءت در روز عید قربان را برای خود ثبت نموده، علی-ع- را نیز در شمار یکی از کسانی که این مسؤولیت را عهده‌دار بوده است، معرفی کند!<sup>۶۱</sup>

تعصّب آنچنان چشم و گوش آقای محمد رشید رضا را پرکرده که به دنبال نقل این مسائل، شدیداً به شیعه حمله می‌کند که چرا از این قضیه به عنوان اثبات یک فضیلت برای علی بن ابیطالب-ع- استفاده می‌کنند؟!

چگونه یک انسان که خود را مفسر قرآن می‌داند به خود جرأت می‌دهد اینگونه در تحریف حقایق تلاش کند و تا بدان جا پیش رود که برای شیعه و به قول او، روافض، تقاضای مرگ و کشته شدن بنماید.<sup>۶۲</sup>

متأسفانه برای انکار این فضیلت تا بدان جا پیش رفته‌اند که پس از مسلم گرفتن امیرالحاج بودن ابابکر، محمد رشید رضا از آلوسی نقل می‌کند که برخی از اهل سنت گفته‌اند: اینکه پیامبر-ص- ابابکر را به عنوان امیرالحاج و علی-ع- را به عنوان مبلغ پیام براءت انتخاب فرمود، به خاطر آن است که ابابکر مظهر صفت رحمت و جمال خداوندی است و علی-ع- شیر خدا و مظهر جلال خداوندی است (که صفت قهر از صفات جلال است) لذا اینجا که نقض عهد مشرکان است [و به اصطلاح خشونت لازم دارد] این مسؤولیت به عهده علی بن ابیطالب-ع- گذاشته شد!<sup>۶۳</sup>

ابن کثیر از روی تعصّب برای نادیده انگاشتن این فضیلت بزرگی علی بن ابیطالب-ع- تلاش می‌کند تا حدیث رسول خدا-ص- را که فرمود: «لَا يَبْلُغُهَا إِلَّا أَنَا وَرَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي» را از اعتبار انداخته، آن را ضعیف و غیر صحیح معرفی کند!<sup>۶۴</sup>

علاوه بر آن می‌گوید: اینکه در روایت آمده: «پس از ابلاغ پیام رسول اکرم-ص- ابابکر به مدینه مراجعت نمود» معنایش آن نیست که فوراً به مدینه برگشت؛ بلکه وی به

راه خود ادامه داده، و پس از انجام مناسک حج به مدینه مراجعت و به حضور پیامبر-ص- رسید.<sup>۶۵</sup>

و از این بدتر آنکه ابن کثیر به نقل از مسند احمد حنبل می‌گوید: آنگاه که پیامبر-ص- علی-ع- را برای ابلاغ پیام برائت مأمور نمود، علی-ع- در پاسخ گفت: ای پیامبر خدا من نه سخنورم و نه زبان گویائی دارم!! و پیامبر-ص- به ایشان فرمودند: من ناچارم یا خود این مأموریت را انجام دهم یا آنکه شما عهده‌دار آن شوید و سپس علی-ع- پاسخ داد: حال که ناچار و مجبوریم پس من خواهم رفت!

پیامبر-ص- نیز علی-ع- را دعا نموده، دستش را بر دهان علی-ع- نهاد.<sup>۶۶</sup> براستی تعصب چه می‌کند و چگونه انسانها را به انحراف و بیراهه می‌کشد! علی-ع- آن سخنور توانا و آن گوینده پرجاذبه‌ای که با شروع کلامش نفس در سینه‌ها حبس، و با شنیدن کلامش انسانهای عاشقی چون «همام» قالب تهی می‌کنند، را چونان انسان‌های بی‌زبانی که توانائی حرف زدن ندارند، معرفی می‌نماید.

بدیهی است که اینگونه تعصبات ناروا، نمی‌تواند پرده بر روی حقایق کشیده بر واقعیات سرپوش بگذارد. حق همان است که گفته شد انتخاب علی-ع- برای این امر مهم، حاکی از فضیلت بزرگی است که تنها آن کس که از اهل بیت رسول‌الله-ص- و جان و روح آن حضرت و محبوب خداوند است، از عهده انجام آن برخواهد آمد.

مرحوم علامه طباطبائی-رضوان الله تعالی علیه- در ذیل آیه شریفه: «و اذان من الله و رسوله...» فرموده‌اند:

«مراد روز دهم ذی الحجه از سال نهم هجرت است چون در آن روز بود که مسلمانان و مشرکان یک جا اجتماع کرده و هر دو طایفه به حج خانه خدا پرداختند و پس از آن سال، دیگر هیچ مشرکی حج انجام نداد. سپس می‌افزاید: این قول مورد تأیید روایاتی است که از ائمه اهل بیت-ع- رسیده و با معنای اعلام برائت مناسب‌تر و با عقل نیز سازگارتر از سایر اقوال است، زیرا آن روز، بزرگترین روزی بود که مسلمانان و عموم مشرکین به حج آمده، در مینی جمع شده بودند. این معنی از برخی روایات واصله از طرق اهل سنت، نیز استفاده می‌شود چیزی که

هست در آن روایات مراد از حج اکبر روز دهم از هر سال است، نه فقط سال نهم هجرت، و بنابراین همه ساله حج اکبر تکرار می شود لیکن از طریق نقل ثابت نشده که اسم روز دهم روز حج اکبر باشد».<sup>۶۷</sup>

و در ادامه نقل اقوال ذیل آیه شریفه می فرمایند:

«از شنیدن کلمه «روز حج اکبر»، همان «روز عید قربان» به ذهن می رسد، چون تنها روزی که عموم حجاج آنجا اجتماع کرده و اعلام براثت می تواند به گوش همگان برسد، همان روز دهم است، و وجود چنین روزی در میان سایر ایام حج، نمی گذارد کلمه **یوم الحج اکبر** سایر ایام را نیز شامل شود».<sup>۶۸</sup>

در لغت نامه دهخدا نیز به نقل از مهذب الاسماء، حج اکبر را عید اضحی و عید گوسفندکشان معنی می کند.<sup>۶۹</sup>

از آنچه گذشت نتیجه می گیریم که:

۱- مراد از روز حج اکبر روز عید قربان است.

۲- تعبیر **یوم الحج اکبر** برای اولین بار در مورد روز عید قربان سال نهم هجرت بکار رفته، و در سال بعد که حجة الوداع صورت گرفت باز این تعبیر تکرار گردیده است. لذا می توان گفت همه ساله روز عید قربان، روز حج اکبر است.

۳- آنجا که حج اکبر بدون کلمه یوم آورده شود مراد حج در مقابل عمره است.

طبری در این زمینه پس از نقل نظرات مختلف پیرامون علت نامگذاری این روز به حج اکبر می گوید: از این اقوال نزد من به صحت نزدیکتر، قول کسی است که می گوید: حج اکبر به معنای حج و حج اصغر به معنای عمره است زیرا اعمال حج از اعمال عمره بیشتر است.<sup>۷۰</sup>

۴- آنگونه که در برخی منابع آمده، روز عرفه در سالی که رسول خدا - ص - حج گزاردند با روز جمعه مصادف بوده است و مؤلف کتاب الفقه الاسلامی و ادلته تعبیر: «قد ثبت فی الصحیحین ان یوم عرفه، الذی وقف فیہ النبی - ص - کان یوم جمعة» دارد.<sup>۷۱</sup>

ولی اینکه مصادف شدن روز جمعه با عرفه در هر زمان، دلیل آن باشد که حج آن

سال، حج اکبر است هیچگونه دلیل و مدرکی در روایات و منابع تاریخی برای آن ذکر نگردیده و به نظر می‌رسد یک عقیده عوامانه است که باگذشت زمان بصورت یک امر مسلم درآمده است.

صاحب تفسیر المنار در این زمینه می‌گوید: در حجة الوداع، روز عرفه، روز جمعه بود و عوام هر زمان که وقوف در عرفات با روز جمعه مصادف شود آن سال را حج اکبر می‌نامند.<sup>۷۲</sup>

در لغت نامه دهخدا نیز آمده است: ظاهراً در نزد عوام چون عید اضحی با جمعه تصادف کند حج آن سال را حج اکبر گویند و ثواب این حج را بیشتر گمان برند.<sup>۷۳</sup>

#### پاورقی‌ها:

- ۱ - توبه: ۴.
- ۲ - قرطبی، ج ۸، ص ۶۹.
- ۳ - تفسیر قرطبی، ج ۸، ص ۷۰.
- ۴ - همان مدرک.
- ۵ - تفسیر فخر رازی، ج ۱۵، ص ۲۲۱.
- ۶ - در المنثور ج ۳، ص ۲۱۳.
- ۷ - همان مدرک.
- ۸ - همان مدرک.
- ۹ - تفسیر فخر رازی، ج ۱۵، ص ۲۲۱.
- ۱۰ - مجمع البیان، ج ۵، ص ۵.
- ۱۱ - کشف اصطلاحات الفنون، ج ۱ ص ۲۸۳.
- و کذا فی جامع الرموز.
- ۱۲ - وسائل ج ۸ حدیث ۱۴۱۰۸.
- (چاپ آل البيت)
- ۱۳ - وسائل، ج ۱۴، حدیث ۱۹۲۳۹.
- ۱۴ - مجمع البیان، ج ۵، حدیث ۵، تفسیر قرطبی ج ۸ ص ۷۰.
- ۱۵ - تفسیر قرطبی، ج ۸، ص ۷۰.
- ۱۶ - در المنثور، ج ۳، ص ۲۱۲.
- ۱۷ - قرطبی، ج ۸، ص ۷۰.
- ۱۸ - احکام القرآن ابن عربی، ج ۲، ص ۴۵۳.
- ۱۹ - در المنثور، ج ۳، ص ۲۱۱.
- ۲۰ - وافی، ج ۱۴ حدیث ۱۴۳۱۸.
- ۲۱ - در المنثور، ج ۳، ص ۲۱۱.
- ۲۲ - تفسیر قرطبی، ج ۸، ص ۶۹.
- ۲۳ - همان مدرک، ص ۸۰.
- ۲۴ - احکام القرآن ابن عربی، ج ۲، ص ۴۵۲.
- نور الثقلین، ج ۲، ص ۱۸۵.
- ۲۵ - وسائل، ج ۱۴، حدیث ۱۹۲۳۰.



- ۵۱ - روحاء مکانی است بین مکه و مدینه که تا مدینه حدود ۳۰ مایل فاصله دارد.
- ۵۲ - نورالثقلین، ج ۲، ص ۱۷۸.
- ۵۳ - نورالثقلین، ج ۲، ص ۱۸۱.
- تفسیر صافی، ج ۲، ص ۳۱۹.
- ۵۴ - نورالثقلین، ج ۲، ص ۱۷۹.
- ۵۵ - تفسیر قرطبی، ج ۸، ص ۶۸.
- احکام القرآن ابن عربی، ج ۲، ص ۴۵۴.
- ۵۶ - قرطبی، ج ۸، ص ۶۸.
- ۵۷ - المنار، ج ۱۰، ص ۱۵۸.
- ۵۸ - تفسیر المنار، ج ۱۰، ص ۱۵۵.
- ۵۹ - المنار، ج ۱۰، ص ۱۵۷.
- ۶۰ - همان مدرک ص ۱۵۶.
- ۶۱ - تفسیر ابن کثیر، ج ۲، ص ۵۲۱.
- ۶۲ - همان مدرک ص ۱۶۴.
- ۶۳ - المنار، ج ۱۰، ص ۱۶۲.
- ۶۴ - تفسیر ابن کثیر، ج ۲، ص ۵۲۲.
- ۶۵ - تفسیر ابن کثیر، ج ۲، ص ۵۲۲.
- ۶۶ - تفسیر ابن کثیر، ج ۲، ص ۵۲۲.
- مسند احمد، ج ۱، ص ۱۵۰.
- ۶۷ - لغت نامه دهخدا ذیل کلمه حج اکبر ص ۳۱۵.
- ۶۸ - تفسیر طبری، ج ۶، ص ۷۶.
- ۶۹ - الفقه الاسلامی ادلته ج ۳، ص ۲۱۳.
- ۷۰ - تفسیر المنار، ج ۱۰، ص ۱۶۰.
- ۷۱ - لغت نامه دهخدا ذیل کلمه حج اکبر ص ۳۱۵.
- ۷۲ - تفسیر المیزان، ج ۹، ص ۲۲۹.
- ۷۳ - تفسیر المیزان، ج ۹، ص ۲۳۰.
- وافی، ج ۱۴، حدیث ۱۴۳۱۵.
- ۷۶ - وافی، ج ۱۴، حدیث ۱۴۳۱۶.
- ۷۷ - توبه: ۲.
- ۷۸ - وافی، ج ۱۴ حدیث ۱۴۳۱۷.
- نورالثقلین، ج ۲، ص ۱۸۵.
- ۷۹ - المنار، ج ۱۰ ص ۱۵۲.
- ۸۰ - تفسیر روح البیان، ج ۳، ص ۳۸۵.
- ۸۱ - تفسیر فخر رازی، ج ۱۵، ص ۲۲۱.
- ۸۲ - مجمع البیان، ج ۵، ص ۵.
- ۸۳ - درالمنثور، ج ۳، ص ۲۱۱.
- ۸۴ - همان مدرک.
- ۸۵ - درالمنثور، ج ۳، ص ۲۱۱.
- ۸۶ - همان مدرک.
- ۸۷ - احکام القرآن ابن عربی، ج ۲، ص ۴۴۹.
- ۸۸ - احکام القرآن ابن عربی، ج ۲، ص ۴۵۰.
- ۸۹ - تفسیر فخر رازی، ج ۱۵، ص ۲۲۱.
- ۹۰ - درالمنثور، ج ۳، ص ۲۱۱.
- ۹۱ - درالمنثور ج ۳، ص ۲۱۲.
- ۹۲ - فی ظلال القرآن ج ۴، ص ۱۳۶.
- ۹۳ - تفسیر ابن کثیر، ج ۲، ص ۵۲۱.
- ۹۴ - تفسیر مراغی، ج ۱۰، ص ۵۵.
- ۹۵ - المنار، ج ۱۰، ص ۱۵۳.
- ۹۶ - تفسیر طبری، ج ۶، ص ۷۵.
- ۹۷ - تفسیر طبری، ج ۶، ص ۵۳.
- ۹۸ - تفسیر طبری، ج ۶، ص ۷۱.
- ۹۹ - تفسیر قرطبی، ج ۸، ص ۶۷.
- ۵۰ - احکام القرآن، ج ۲، ص ۴۵۳.

